

یکی از روش‌های سیگنال‌رسانی زمینی در مجموعه رسانه‌ملی‌که توسط عوامل فنی در معاونت توسعه و فناوری رسانه در سطح کشور صورت می‌گیرد، استفاده از امواج مایکروویو به‌صورت نقطه به نقطه یا یک نقطه به چند نقطه است که با استفاده از فرستنده و گیرنده مایکروویو به‌صورت دوطرفه ارسال و دریافت لینک سیگنال‌رسانی برقرار می‌شود.

سیگنال‌رسانی زمینی به دورترین نقاط کشور

ان حوادث

فی موفق عمل کرده است

و حتی وقتی می‌خندد، خبری از کشیدگی پوست صورت ناشی از عمل‌های سنگین و تصنعی زیبایی‌که برخی بازیگران دارند، نیست. در واقع دیگر نیازی به نقد و گله هم نیست که فلان بازیگر که بینی‌اش را عمل کرده، چرادر اثر تاریخی حضور دارد. بازیگران واقعی هستند و کاراکترهای واقعی را هم خلق کرده‌اند. درست مثل فرهاد آبیض و هومن برق‌نورد که هرکدام به پشتوانه سابقه هنری، کاراکترهای واقعی و قابل‌باور برای مخاطب تلویزیون را خلق کرده‌اند. اعظم کبودیان هم در قامت مادر طوبی، همان زن وفادار و ساده را نمایش داده که وقتی همسرش فوت می‌کند، به قول خودش نمی‌داند بیرون رفتن چه شکلی است و به مرور تلاش می‌کند روی پای خودش بایستد.

مادر طوبی به‌واسطه دخترانش، قلمه مستقل‌شدن را در وجود خودش می‌زند و با همان چرخ خیاطی قدیمی، سوزن به چشم می‌زند تا حق خودش و دخترانش را بگیرد. شخصیت فخرالدین با نقش‌آفرینی امین زندگانی هم توانسته پیچیدگی‌های بازی در قامت یک کاراکتر چندلایه

ت که

زند، چهره شبنم

۵۰۰ واقعی است

و خاکستری را نشان دهد. کمالین‌که مخاطب نمی‌تواند با قاطعیت و در قسمت اول، درباره کاراکتر یا سیاه و سفید بودن او صحبت کند. کافی است چند قسمت سریال را دنبال کند تا لایه‌های زیرین این کاراکتر برای مخاطب رو شود. زندگانی در سریال‌های «خانه امن» و «حبیب» هم همین غافلگیری را داشت و توانست کاراکترهای منحصربه‌فردی در قفسه‌های متفاوت شکل دهد.

البته بخشی از این واقعی بودن را باید به واسطه گرم‌های طبیعی دانست. انگار کارگردان به پشتوانه تولیدات تلویزیونی خود، می‌داند که در یک درام تاریخی دیگر جای این نیست که بخواهد دست به گرم‌های گل‌درشت بزند که برای مخاطب هم قابل کشف است. کما این‌که صورت طوبی به طبیعی‌ترین شکل ممکن گرم شده و خواهرانش هم بدون گرم آنچنانی شبیه او هستند. در حقیقت انخاب بازیگر درست، اینجا به مدد سریال آمده تا قاب قابل‌باوری برای مخاطب خلق کند.

اقتباس از یک رمان

تاکنون آثار اقتباسی بسیاری روی آنتن تلویزیون رفته که توانسته مخاطبان بسیاری را به خود جذب کند؛ از «حکایت‌های کمال» تا «سوران» و «کاتب اعظم» که هرکدام در یک ژانر و بایک قسه، مخاطبان خاص خود را پای تلویزیون کشاندند. سریال طوبی که به‌تازگی روی آنتن شبکه یک سیما

در این زمینه به‌منظور آشنایی با یکی از بخش‌های حیاتی فنی در حوزه سیگنال‌رسانی، علیرضا قدرتی، مهندس فنی ارشد سازمان صداوسیما که مسئولیت مدیریت امور پشتیبانی و نگهداری مایکروویو در اداره کل ارتباطات زمینی و ماهواره‌ای معاونت توسعه و فناوری رسانه را برعهده دارد، در گفت‌وگویی به بیان اهمیت این سامانه پرداخته است. او با بیش از هفت سال تجربه در این حوزه، تأکید کرد:

رفته، برگرفته از کتاب «اربعین طوبی» است. داستان این کتاب درباره طوبی است که در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پدرش را از دست می‌دهد و در روزگار یتیمی به ازدواج تجاری عراقی درمی‌آید و در بصره همسایه هوویی زبان نفهم می‌شود. اوضاع زندگی بر وفق مراد نیست اما طوبی تصمیم می‌گیرد به‌جای فرار بماند و فرزندانی تربیت کند که افتخار همسرش عبدا... باشند. سال‌هایی توام با شادی و مرارت برای طوبی سپری می‌شود تا این‌که ارتش یعنی صدام به ایران حمله می‌کند. پسران طوبی باید به ارتش ملحق شوند اما طوبی جنگیدن با امام خمینی را برای فرزندانش حرام می‌کند و شخصیت طوبی داستان

همیشه به اقتباس برای نگارش فیلم‌نامه توصیه می‌شود؛ چراکه ادبیات غنی ایران و جهان می‌تواند متن پخته‌تر و شخصیت‌های چندبعدی را به مخاطب ارائه دهد. متن فیلم‌نامه می‌تواند از ادبیات تغذیه و پرورار شود و چرا باید این را از آن دریغ کرد؟ سیدحسین امیرجهانی، نویسنده‌ای است که در بسیاری از آثارش سراغ اقتباس رفته. سریال روزی «نیمه‌شب» به قلم او در حال تولید است و سریال «طوبی» نیز با فیلم‌نامه او تصویربرداری‌اش در شهرک غزالی ادامه دارد. قسه طوبی همان‌طور که در تیتراژ آمده برداشتی آزاد از رمان «اربعین طوبی» نوشته سیدمحسن امامیان از انتشارات کتاب چمکران است. کتاب، داستان



زندگی واقعی یک زن ایرانی را روایت می‌کند و در دل روایت، نقبی به تاریخ معاصر ایران و عراق و چالش‌های این دولت دارد که در سالیان گذشته با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. در این میان به نقش پررنگ پیوند دینی دو ملت توجه داشته است. سریال نیز این چالش‌ها نظیر مبارزه‌های انقلابی، ظهور رژیم بعث، جنگ، داعش و... را دستمایه قرار داده و باتغییراتی در سطرهای زمانی و... قسه‌ای عاشقانه و مذهبی را روایت می‌کند که به پیاده‌روی اربعین می‌رسد. قسه‌ای که از استواری بانویی ایرانی در دل توفان حوادث حکایت دارد. در بخشی از رمان می‌خوانیم: «جابر حیران است. می‌داند حسین نزدیک اوست اما نه چشم دیدن دارد و نه پای رفتن.» به کدام سو برود که بار دیگر از او جانماند؟ همراهان نیز به فاصله ایستاده‌اند. همه منتظرند و جابر از ایشان منتظر تر و بار دیگری می‌گوید: حبیب لایحیب حبیب؟ حبیب لایحیب حبیب؟ سکوت در صحرای پیچد. صدایی به گوش نمی‌رسد. جابر دیگر رمق ایستادن ندارد. درجا می‌نشیند و خاک بر سرش می‌ریزد و خودش پاسخ سؤالش را می‌دهد: «چه تمنای جواب داری ای انصاری؟ که حسین در خون خود آغشته است و بین سر و بدنش جدایی افتاده!» اگر تا امروز کتاب را نخوانده باشیم اما با مطالعه برش‌هایی از آن درمی‌یابیم که قسه در چه حال و هوا و فضایی می‌گذرد. قسه‌ای که در سریال با همین جانمایی نقش بسته اما با تغییراتی روایت خود را از دهه ۵۰ تا دهه ۸۰ شمسی روایت می‌کند.

زندگی خود را در مسیر پیاده‌روی اربعین از بصره تا کربلا برای نوه‌هایش تعریف می‌کند. متن داستان این کتاب ۴۰۰ گام دارد و در هر گام با دستمایه قراردادن داستان زمان حال طوبی و پیاده‌روی او به سمت کربلا با رجوع به گذشته، نوجوانی، جوانی و میانسالی او که در بر دارنده حال‌وهوای بخش‌هایی از تاریخ معاصر دو سرزمین ایران و عراق است روایت می‌شود. گفته می‌شود که این داستان برگرفته از واقعبیت است البته سریال برداشتی آزاد از این رمان بوده و تفاوت‌هایی در روایت، شخصیت‌ها و بستر زمانی دارد.

زویه دید

قسه‌ای از عمق جان



مایکروویو نقش بسزایی در انتقال سیگنال‌های تصویر، صدا، تلفن و اینترنت به فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی ایفا می‌کند. این سامانه با ارسال امواج الکترومغناطیسی مایکروویو به ایستگاه‌ها، امکان پخش این سیگنال‌ها را به دورترین نقاط کشور فراهم می‌آورد. همچنین واحد بی‌سیم به‌عنوان یکی دیگر از بخش‌های کلیدی در این امور شناخته می‌شود.

یادداشت

احسان ناظم یکایی | روزنامه نگار

ظرفیت‌های چندوجهی

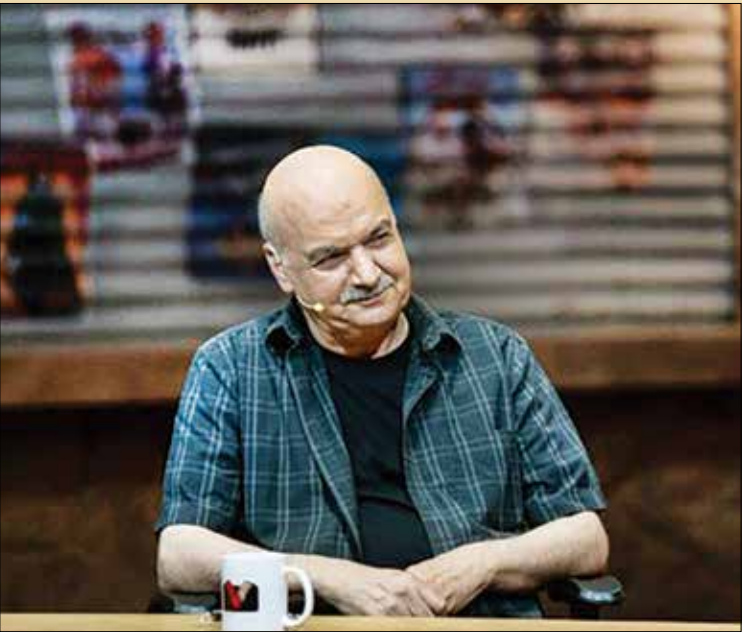
چرا طوبی سریال مهمی در حوزه فرهنگی است؟



چند شبی است که سریال طوبی روانه آنتن شبکه یک سیما شده است. پخش این سریال از چند منظر قابل توجه است و باید با دقت بیشتری به آن نگاه کرد. اول این‌که طوبی سریالی اقتباسی محسوب می‌شود و براساس کتاب «اربعین طوبی» نوشته سیدمحسن امامیان ساخته شده است. داستانی که توسط نویسنده ۴۴ساله آن در سال ۱۳۹۵ نوشته شده و حال‌بعد از هشت سال نسخه نمایشی آن روانه آنتن می‌شود. ماجرای دختری به نام طوبی که در دهه ۱۳۲۰ به عراق رفته و آنجا ازدواج می‌کند. حوادث متعدد میان ایران و عراق بر زندگی او تأثیر عمیقی می‌گذارد و در نهایت او راوی زندگی پرفراز و نشیبش در جریان راهپیمایی اربعین برای خانواده خود می‌شود. داستانی که براساس واقعبیت در فضایی دراماتیزه ساخته و پرداخته شده است. بی‌شک اقتباس یکی از ظرفیت‌های بزرگ در حوزه نمایش محسوب می‌شود و هر زمان سازندگان آثار نمایشی ما به سمت استفاده از اقتباس رفته‌اند، نتایج خیلی خوبی دیده‌اند که شاخص‌ترین آنها سریال قسه‌های مجید نوشته هوشنگ مرادی‌گرمانی و به کارگردانی کیومرث پوراحمد است که سال ۱۳۶۹ ساخته شد و اقبال‌ی فراگیر یافت. نکته حائزاهمیت در حوزه اقتباس این اثر توجه به مسأله روزی راهپیمایی اربعین و اتحاد دو ملت ایران و عراق تحت لوای عشق به حسین بن علی (ع) است. متأسفانه باوجود ظرفیت بالای راهپیمایی اربعین و فضایی که می‌تواند بستری برای دراماتیزه‌کردن موضوعات مختلف وجود داشته باشد آثار نمایشی ما در این حوزه بسیار فقیر و در حد فیلم‌هایی مانند هیهات مانده است. منظر دیگر سریال طوبی را باید در حضور کارگردانی کارکشته و کاربلد دید. سعید سلطانی با ساخت سگانه ستایش و پس از باران نشان داده که مخاطبان تلویزیونی و بخصوص خانم‌ها را می‌شناسد. او به‌خوبی آگاه است که رمز موفقیت یک سریال این است که خانم خانه را درگیر آن کند. همین نگاه درست باعث‌شده تا قهرمان‌های داستان‌های سلطانی همه زن باشند. در همین کار اخیر هم طوبی با بازی شبنم قربانی، نقش یک سریال را برعهده دارد. منظر دیگر کار همین حضور شبنم قربانی است.

بازیگری که پارسال با ایفای نقش کوتاه ولی موثر همسر شهید زین‌الدین در فیلم مجنون، سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل زن جشنواره فیلم فجر را به خانه برد. او در مسیر طی‌شدن اش با بازی‌های روان در سریال‌ها و فیلم‌هایی مثل ملکه گدایان و تمساح خونی نشان داده چگونه به راحتی و بی‌واهمه میمیک صورت و فیزیکش را به کار می‌گیرد تا نقش را از آب و گل در بیاورد. در کنار قربانی، حضور بازیگرانی مثل رحیم نوروزی، فریبا متخصص، پرویز فلاحی پور، هومن برق‌نورد، امین زندگانی، فرهاد آبیض، رامین راستاد، مهدی سلوکی و سوده بیضایی هم چیدمان جالبی ساخته است. هرکدام از این بازیگران به قول اهل فن، گرمای حضور در برابر دوربین تلویزیونی را دارند و مخاطب را جذب می‌کنند. منظر دیگر سریال طوبی را باید در دکور و طراحی صحنه و لباس آن جست. مجموعه مفصلی در شهرک سینمایی غزالی برای ساخت این اثر ساخته‌شده که معماری و فضای ایران و عراق در دهه‌های گذشته را نشان بدهد. ساخت این دکورها پتانسیلی برای ساخت آثار بعدی با محوریت سریال‌های مشترک با کشورهای دیگر خواهد بود. در واقع بسترسازی حاصل از ساخت دکورهای طوبی زمینه را برای ساخت سریال‌های مشترک با عراق و سایر همسایگان عربی هموار می‌کند. منظرگاه دیگر استفاده از ظرفیت عظیم جذب مخاطب در همسایه غربی‌مان عراق است. ساخت و پخش مختارنامه باگذشت ۱۵ سال همچنان این شخصیت تاریخی را برای عراقی‌هایش از قبل محبوب کرده است و به واسطه همین سریال، مزار وی در کوفه آباد شد و رونق گرفت. پتانسیل چندوجهی اربعین می‌تواند علاوه‌بر التیام‌بخشیدن به زخم‌های جنگ هشت‌ساله، محورهای مشترک و بزرگ و طرف را فعال و وجوه اشتراکات فراوان فرهنگی را با توجه به تعریف ایران فرهنگی بازهمندسی کند. یادمان باشد که عراق همواره جزئی از ایران بزرگ فرهنگی بوده و هست. وجود تیسفون، پایتخت ۸۰۰ساله اشکانی و ساسانی در این کشور در کنار دهه‌ها نماد دیگر مانند مزار سلمان فارسی، بار ایرانی پیامبر و... عراق را عملاً بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ ایرانی و اسلامی ما کرده است، بنابراین ساخت سریال‌های مشترک به تقویت این نگاه منجر خواهد شد که طوبی یکی از همین سریال‌ها در راستای استراتژی فرهنگی بین‌المللی ما تعبیر می‌شود. با این منظرگاه‌های مختلف سریال طوبی با همه نقاط ضعف و قدرتش که ویژگی ذاتی یک اثر هنری است، کاری درخور توجه است که می‌تواند به‌عنوان مدل و نمونه‌ای برای کارهای اقتباسی از این دست میان دو کشور و در قالب کارگردانی و تیم سازنده حرفه‌ای معرفی شود.

پنجره



حال مان بهتر می‌شود

ایرج همناسب جمعه شب مهمان **بهرورز افخمی در برنامه سینمایی هفت بود و درباره کارهای خود و سینما و نسل جدید صحبت‌هایی کرد. وی درباره تاثیرگذاری بر نسل جدید بیان کرد: در بحث سینما شکافی رخ داده و ما سینمای خانوادگی نداریم. در جهان سینمای family داریم که همه افراد باهم فیلمی را تماشا می‌کنند. ما قبلا چنین فیلم‌هایی داشتیم اما متأسفانه وقتی موضوع و مفهوم، جدی و تلخی شد. اگر سینمای خانواده دوباره سر جایش برود نسل زد هم به میدان می‌آید. تنهایی خطرناک‌ترین وضعیت انسانی برای آدم‌های معمولی است و باکمک دیگران حالمان بهتر می‌شود. جمع شدن آدم‌ها به هر بهانه‌ای باعث می‌شود خودش را خیلی جدی نگیرد.**



درخواست حلالیت در یک برنامه تلویزیونی

سومین قسمت از برنامه «طریق» به گفت‌وگوی مجید براق بافان با سامان گوران، بازیگر و کم‌دین اختصاص داشت. گوران در سومین قسمت از برنامه طریق گفت: فکر می‌کنم سال ۹۸ به کربلا رفتم و وقتی که دستم به ضریح حضرت علی(ع) رسید، احساس کردم که

همه چیز یک بار دیگر شروع شده است.

به من گفتند که این حس از عرت حضرت امیرالمومنین (ع) است که وقتی برای اولین بار مشرف می‌شوید، این نورانی بودن به شما منتقل می‌شود. چون این سفر برای برادران بود، مادرم را به کربلا نبردم. بعدش هم که کرونا شد، نمی‌شد رفت. الان سه سال است که می‌خواهم این اتفاق بیفتد و نمی‌توانم، چون با یکی از دوستان شوخی کردم که متأسفانه خیلی مشخص نبود و به‌عنوان یک توهین برای او تلقی شد. گوران افزود: چند تا از پرورنده‌ها را برای رسیدگی نشد بروم و غیابی رای صادر شد که متأسفانه در نتیجه آن سه سال است ممنوع‌الخروج هستم.



میزگردهای کارشناسی برگ برنده تلویزیون



در سه موضوع مختلف همراه با مشاوران خود در برنامه حاضر شود و پاسخگوی پرسش‌های کارشناسانی با دیدگاه‌های مختلف در آن حوزه تخصصی باشد، ابتکار جدیدی بود که قبلاً به این شکل تجربه نشده بود. البته این ابتکار مستلزم ریسکی بود و نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که این ریسک جواب داده است. اساسا رسانه بدون ریسک خیلی امکان موفقیت ندارد. کار جدید در رسانه مستلزم خطر کردن است، چون همیشه ممکن است حساسیت‌ها و ملاحظات و وجود داشته باشد و درنهایت کار آن‌گونه که باید، پیش نرود. وی ادامه داد: با توجه به تنوع کارشناسانی که حضور داشتند و این‌که رسانه‌ملی نمی‌دانست نامزد‌ها چه مشاورانی را در این برنامه‌ها همراه خودشان می‌آورند، به نظرم سازمان صداوسیما، در این زمینه ریسک بزرگی کرد.